

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

یادداشت:

نامه ای را که در ذیل خدمت تان تقدیم میگردد و از قلم هموطن گرامی ما آقای "احمد شاه" تراوش نموده، از طریق همکار شجاع و آزاده ما آقای "هستی" به آدرس پورتال فرستاده شده است. ضمن ابراز امتنان و خیر مقدم خدمت آقایان "هستی" و "احمدشاه"، آرزومند آنیم تا آقای "احمد شاه" مانند آقای "هستی" همیشه با ما در تماس مانده و با همکاری های سودمند شان بر غنای پورتال بیفزایند.

اداره پورتال AA-AA

احمدشاه از کابل

۱۰/۰۹/۰۶

دوستان گرامی سلام!

مطلبی را در سایت افغانستان آزاد از نویسنده چیره دست محترم انجینر خلیل الله معروفی راجع به سید جمال الدین افغانی مطالعه نمودم. اینجانب هم تا وقتی چند احترام زیادی به این سید داشتم ولی در دوران مهاجرت در پاکستان وقتیکه نام این فرزانه توسط گلبدینی ها وربانی ها گرفته میشد خدایا خوش نمی آمد. از مدتی در انترنت کتابی به نام "بازی شیطانی" مطالعه نمودم که توسط راه توده به نشر رسیده ولی این کتاب به لسان انگلیسی اصلی اش هم موجود است.

در این کتاب ادعا شده که این سید جاسوس انگلیس بوده و از وزارت مستعمرات همواره در هند و مصر معاش دریافت میکرد؟؟؟ درستی و نادرستی این موضوع را نمیدانم. موضوع دیگر اینکه پیروان سید چون محمد عبده، حسن البنا، سید قطب، گلبدین واسامه والی بادم دلاک قریه ما برای مه یک چهره هستند و آن منافق، خودخواه دروغگو، حرام خور، ظالم، قدرت پرست و خداناترس وطن فروش. اگر اینان شاگردان سید هستند پس بهتر است سید هم افغانی نباشد و اگر دروغ است چطور.

مطلب دیگری که همیشه از کودکی در ذهنم خطور میکرد این بود که در کتب درسی مکاتب ما سید ناگهان در وقت امیر شیر علی خان ظهور میکند، بعداً با ایشان مخالف میشود و بنوشتن چند نصیحت افغانستان را ترک میکند؟؟؟ بسیار جالب است؟ نه راجع به گذشته سید چیزی است نه راجع به تعلیم و استادان وی چیزی است و در آن زمان چطور یک شخص میتوانست با شاه مخالف شود و بدون تکلیف خارج برود؟؟ لطفاً جواب سؤالات من را ارایه نمایید. و یک مطلب دیگری را راجع به شاعر توانا استاد خلیلی نشر کرده اید؟؟ آیا استاد خود را با تمام جان و ایمان به اخوانی ها "برهان الدین" تسلیم نکرد؟؟ و بچه اش تاکنون دندوره چی مافیای زمرود فروشان نیستند؟؟ چیز هائی است که باید بی طرفانه جواب گفته شود و رنه وزن و آزادی سایت را که نو با وی دوست شده ام زیر سؤال میبرد.

پاسخ به سوالات:

هموطن نهایت عزیز و گرامی، قبل از آنکه به پاسخ پرسش هایتان آغاز نمائیم، نخست تشریف آوری و تماس تان را با پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" از صمیم قلب خوش آمدید گفته، امیدواریم این نامه سرآغازی گردد برای یک کار دومدار و سودمند.

همچنین باید بنویسیم که متصدی و همکار معظم ما آقای "معروفی" که بدون مبالغه بر نسلی از نویسندگان افغانستان حق استادی دارند، بعد از مطالعه نامه شما با کمال محبت سلام ها و احترامات شان را تقدیم نموده، از حسن نظر تان در مورد خویش ابراز امتنان نمودند.

هموطن عزیز!

در رابطه با سوالاتی که مطرح نموده اید، بادر نظر داشت کثرت سوالات و گستردگی ساحة هر سؤال، هر چند ممکن است پاسخ کامل به هر سؤال تان ایجاب کتاب و حتا کتاب های متعدد را بنماید، با آنهم در این مختصر خواهیم کوشید تا خطوط کلی پاسخ ها را نقطه گذاری نموده، و از شما توقع نمائیم تا در مقطع کنونی پاسخ های مختصر ما را به حیث "برگ سبز و تحفه درویش" پذیرفته بر ما منت گذارید. امید در وقت دیگری که پرداختن به آن اولویت یابد بتوانیم پاسخ مفصل نیز ارائه داریم.

همانطوریکه شما نیز اشاره نموده اید، پیدا شدن ناگهانی "سید جمال الدین افغان" در دربار امیر محمد افضل خان و به دنبال آن تقبل شغل اداری بالا - وزارت- در زمان امیر محمد اعظم خان و در نهایت ترک افغانستان در زمان امیرشیرعلی خان، یکی از نکات مجهولست در زندگی "سید" که نه تنها شما خواننده گرامی را به خود مشغول داشته است بلکه از سالیان طولانی بدین طرف اکثر مؤرخان و محققان افغان و غیر افغان را نیز به طرف خود کشیده، در واقع پایه اساسی اختلاف بین دانشمندان ایرانی و افغانی در رابطه با ملیت "سید" از همین معضله عرض اندام نموده است.

در متن چنین ابهامی، دید و قضاوت مطلق گرایانه شرقی در مورد افراد و اشخاص نخبه جوامع شرقی و برخورد های مهندسی شده و حتا توطئه گرانه نویسندگان اروپائی و امریکائی در عین مورد، باعث آن می گردد که چنین افرادی در زمان تثبیت شخصیت از "خوب ترین تا بدترین" در مورد آنها اطلاق گردد. به عبارت دیگر، وقتی زیر تاثیر طرز دید مطلق گرایانه یک فرد که می تواند مانند تمام انسانهای دیگر هم نکات مثبت و برجسته در زندگی خود داشته باشد و هم ابر های سیاهی بر شخصیت وی سایه افکنده باشد به یک باره آگاهانه و یا نا آگاهانه از مرز های تاریخ و واقعیت عبور نموده و با افسانه پردازی حالت "قدیس" را به خود می گیرد، با کمال تأسف تحقیق و مطالعه در مورد وی نیز به بغرنجی گرائیده، در نهایت با تمام تلاش فهم انسان در همچو موارد کمتر از نافهمی انسان باقی می ماند.

"سید" را شاید بتوان یکی از معدود افرادی دانست که شخصیت حقیقی اش زیر تاثیر هر دو عاملی که در بالاتذکار یافت چنان در پرده ابهام باقی مانده است که هم می توان ده ها کتاب در تأیید شخصیت و الایش موخذ داد و هم در مذمت و جاسوسی اش. در نتیجه وقتی می خواهیم در رابطه با وی قضاوت نمائیم باید بدون تعصب و حب و بغض قبلی در مورد وی به خاطر رسیدن به یک جواب قناعت بخش نکات آتی را در نظر داشته باشیم:

- ۱- چگونگی ظهور وی در دربار پسران امیر دوست محمد خان در روشنائی کامل قرار ندارد.
 - ۲- همکاری وی با امیر محمد اعظم خان که در همان زمان نزدیک ترین رابطه را با انگلیسها داشت و عکس آن نداشتن میانه خوبی با امیر شیرعلی خان که به اندازه برادر محبوب انگلیسها نبود، نباید از دیده پنهان ماند.
 - ۳- با تأسف هیچ نوع سند تاریخی و جود ندارد که ادعای آن عده از مؤرخین را که گویا پلان های اصلاحی برای امیر شیر علی خان تقدیم داشته، به اثبات برساند. تا جائیکه از مطالعه کتب تاریخ بر می آید، هیچ یک از مؤرخین افغان نتوانسته در این زمینه سندی ارائه نماید.
 - ۴- اینکه در دربار ناصرالدین شاه قاجار چگونه زیسته و یا از آنجا به مصر، پاریس و ترکیه چگونه راه پیدا کرده و در تمام آن مدت از چه طریقی مسافرت های خویش را تمویل و خرج زندگانی اش را چرخانده است، از سؤالات دیگرست که باید پاسخ خود را بیابد.
 - ۵- در هر حالتی، انسانی فهیم، نویسنده و سخنران ورزیده، که در همه جا می توانسته با قوت منطق و استدلال برای خود راه باز نماید، بوده است.
 - ۶- به یمن همان توانائی، آدمی بوده بزرگ و قابل توجه، چنانچه امروز حدود یک قرن بعد از مرگ توانسته ما را به خود مصروف بسازد.
 - ۷- آثاری را که نویسندگان غربی زیر نام مستشرق می نگارند باید با صد احتیاط امنیتی مورد مطالعه قرار داد. چه صرف نظر از آنکه هر نویسنده غربی، برای خوانندگان کشور خود دست به قلم می برد و در گام نخست می خواهد رضایت خاطر خوانندگان خود را فراهم سازد، ضمن آنکه برخی از آنها کمترین معلومات را در موردی که می خواهند بنویسند، صاحب اند؛ دربین آن نویسندگان می توان تعداد قبال ملاحظه ای از عمال استخبارات و جواسیس نهاد های امنیتی استعمار را نیز پیدا کرد.
 - ۸- خلاف دید مطلق گرایانه شرقی که می خواهند از افراد نامدار خود "رستم دستان" بسازند، استعمار سخت می کوشد تا چهره هائی را که می تواند محراق تمرکز و تجمع مردم ضد استعماری قرار گیرند با نسبت دادن آنها به خود ضمن، تخریب شخصیت آن فرد، قدر قدرتی خود را نیز گوشزد خاص و عام نمایند.
 - ۹- و ده ها نکته دیگر از همین سنخ
- بادر نظر داشت آنچه در بالا تذکار یافت هرگاه خواسته باشیم در مورد یک فرد، حال "سید" باشد و یا احمد و یا محمود، قضاوت نمائیم باید متوجه باشیم که برای اجتناب از خطا، راه دیگری نداریم مگر اینکه تمام گفتار و کردار آن شخص را با حوصله مندی و بیطرفی یک محقق، مورد مطالعه قرار دهیم. کاریکه هرگاه قرار باشد در مورد "سید" انجام یابد، نه وقت و امکان آن را داریم و نه هم در شرایط فعلی تحقیق در باره وی از چنان اولویتی برخوردار است که دیگر کار ها را زمین گذاشته انجام آنرا در دستور روز قرار دهیم.
- حتا اگر این مسأله اتهام جاسوسی "سید" هم باشد- پوهاند "سعد الدین هاشمی" در کتابی که در رابطه با جنبش مشروطیت زیر عنوان " جنبش مشروطه خواهی در افغانستان " نگاشته در جلد اول آن به استناد برخی اسناد از رابطه عمیق "سید" با انگلیسها پرده بر می دارد- در مقطع کنونی که از در و دیوار کابل جاسوس می بارد و از کرسی تا خورد ضابط اداره مستعمراتی همه معاش خور نهاد های استخباراتی شرق و غرب اند، فکر نمی کنم یافتن یک پاسخ راجع به هویت "سید" بتواند گرهی از کار مردم و سرزمین ما بکشد.

در همه حالت پیشنهاد ما چنین است وقتی با چنین اتهام سنگینی نسبت به فردی برخورد می‌نمائیم، ضمن مطالعه آثار و تراوشات مغزی اش باید عملکرد وی را نیز در تمام عمر آن شخص مورد مطالعه قرار داده و با در نظر داشت چنان مطالعه ای حکم نمود که آیا آن انسان یک سرباز آزادی بوده و یا یک اجبر و جاسوس دشمن. مگر یک نکته را نباید فراموش نمود، که خلاف بزرگ نمائی هائی که در نقش "سید" در افغانستان صورت گرفته، در تمام تحولات دوره امیر شیر علی خان، وی کمترین نقشی نداشته به هیچ وجه نمی‌توان وی را در قطار اثر گزاران آن دوران به شمار آورد.

و اما اینکه از شاگردان دست اول وی گرفته تا منادیان اسلام سیاسی در مقطع کنونی، همه "منافق، خودخواه دروغگو، حرام خور، ظالم، قدرت پرست و خداناترس وطن فروش" بودند، امیدوارم نخست ما را از پذیرش چنین حکم کلی معذور دارید، چه مطالعات تاریخی ما، به ما این اجازه را نمی‌دهد تا افرادی چون "محمد عبده، حسن البنا، سید قطب" را با "گلبدین واسامه" با وجود تشابهات اعتقادی، همسان بدانیم و همین خود کافی است که سه نفر اولی دست شان به خون کسی رنگین نیست در حالی که دو فرد اخیر الذکر تجسم ننگ، نفرت و جنایت به شمار آمده هر یک خون هزاران نفر را به صورت مستقیم جوابگو اند؛ در ثانی گیریم با شما هم عقیده گردیم و تمام آن ها را از یک قماش دانسته همه را جنایتکار و وطن فروش بدانیم، باز هم چنین اعتقادی از کجا به ما حق می‌دهد تا به جرم آنها "سید" را مورد مؤاخذه قرار دهیم؟ فکر نمی‌کنید اگر قرار باشد با چنین طرز دیدی نسبت به افراد تاریخ نظر اندازیم، نه عیسائی در تاریخ خواهد ماند و نه هم محمدی؟ مگر نه این است که به هیچ صورت حق نداریم کوهواره جنایات تره کی امین و بیرک را به پای مارکس و یا انگلس بنویسیم و یا جنایات فراموش ناشدنی بوش، بلیر و هیتلر را زیر نام روسو و مونتسکیو و سایر اصحاب دایرة المعارف درج نمائیم؟

هموطن عزیز!

رهبران و پیشوایان فکری کتله های بشری را ما در دو حالت می‌توانیم مورد مؤاخذه تاریخی قرار دهیم، یا اینکه راجع به مطلبی چیزی نوشته باشند و چه به صورت تلویحی و یا آشکار مردم را به یک عمل مشخصی دعوت نموده باشند و یا اینکه در عمل از خود چنان سنتی را در قفا گذاشته باشند. تا جائیکه ما می‌دانیم "سید" هرکاری که کرده باشد و هر چه هم نوشته باشد عملکرد گلبدین و واسامه را در هیچ عمل و یا نوشته اش نمی‌توان یافت تا به استناد آن، به خاطر جنایات آنها یخن "سید" را نیز بتوان گرفت.

در همین رابطه پیشنهاد می‌نمائیم به نوشته تحقیقی داکتر "اجرالدین حشمت" همکار گرانقدر پورتال که زیر عنوان "از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان" به نشر رسیده و به صورت دوامدار در پورتال "افغانستان آزاد" - آزاد افغانستان مجدداً به نشر می‌رسد، مراجعه نمائید. مطمئن باشید در کنار سایر آثاری که به ارتباط "سید" نگاشته شده و از نظر شما دوست محترم گذشته است، این کتاب را نیز سودمند یافته و از قضاوت بیطرفانه وی نسبت به عملکرد "سید" اظهار رضایت خواهید کرد. بحث مورد نظر از صفحه ۱۱۸ کتاب داکتر صاحب "حشمت" آغاز و الی صفحه ۱۳۸ همان کتاب ادامه می‌یابد.

هموطن عزیز!

کتاب "بازی شیطان" را برای ما نیز فرستاده بودند تا در کتابخانه پورتال بگذاریم، مگر ملاحظاتی که در مورد خود کتاب و مترجمین آن یعنی راه توده وجود داشت، ما را برآن داشت تا از مترجم محترم آن کتاب "وردش" را طلب نمائیم. به یقین شما متوجه این سیاست پورتال شده اید که ما از خواستن "ورد" آثار، صرف نظر از ویراستاری اثر به زبان دری هموطنان ما و زدودن اشتباهات دستوری مروج در فارسی دری ایران، بدون آنکه

کتابی را سانسور و یا تحریف نمائیم با استفاده از حق حاشیه نویسی ویراستار و ناشر نکات قابل بحث و تأمل را در چنان آثاری مشخص ساخته، بدین وسیله مسؤولیت خویش را در قبال نسل جوان کشور انجام می دهیم. امید است مترجم آن اثر، آن کتاب و سایر کتابهایی را که ترجمه نموده برای ما بفرستد تا وقتی همچو کتابها را با ملاحظات و حاشیه نویسی های ویراستاران پورتال از نظر می گذرانید، متوجه زحمت و دقت ویراستاران پورتال شده به پاس آن به همکاری تان با ما ادامه دهید.

هموطن عزیز!

در رابطه با استاد خلیلی و تعریفی که یک تن از همکاران قلمی پورتال از ایشان به عمل آورده است، باز هم توجه تان را به همان دید یک بعدی و مطلق گرایانه نسبت به اشخاص و پدیده ها جلب می نمائیم. ما این نکته را در ذیل مطلبی که آقای "ایمیل خان فیضی" به ارتباط مباحثه قلمی بین آقای "سیاه سنگ" و "باری جهانی" فرستاده بودند و به ۱۰/۰۸/۲۱ در بخش ادبی-فرهنگی پورتال انتشار یافت، اندکی با تفصیل بحث نموده ایم. در همانجا تذکر داده ایم که در مورد تمام افراد و اشخاص از آنجائی که عملکرد آنها ابعاد مختلف زندگانی را در بر می گیرد، و به اصطلاح شخصیت های چندین بعدی هستند، هنگام قضاوت نباید با دیدن بعد مثبت، بعد و جهت منفی وی را از قلم انداخت و یا عکس آن.

به همین شکل وقتی می خواهیم به ارتباط استاد "خلیلی" صحبت نمائیم نباید فراموش نمود که وی یک بار به مثابه یک شاعر مطرح است و بار دیگر به مثابه یک سیاستمدار. تا آنجائی که به همکار ما بر می گردد و استقبال وی از شعرش، تنها چیزی که مورد تأیید ایشان قرار داشته، توان و قابلیت شعری استاد خلیلی می باشد و تماسی به شخصیت سیاسی استاد نگرفته اند.

ما نیز به صراحت می گوئیم که استاد "خلیلی" یکی از مفاخر شعر و ادب زبان دری فارسی بوده شاید همترازی در داخل و خارج از افغانستان در زمان حال نتوان برایش سراغ گرفت. مگر بدون معطلی این نکته را نیز می افزایم که وی از لحاظ سیاسی به علاوه دربار زدگی ها، در یوزه گری ها برای اسلام سیاسی در چاکر پیشگی برای بیگانه ها تا سرحد جاسوسی به دولت ایران نیز پیش رفته، نه تنها به هیچ صورت مورد تأیید ما نیست؛ بلکه با در نظر داشت آنکه از توان قلمی و دانش خود برای تحکیم پایه های استبداد سلطنتی و حفظ منافع حقیر شخصی خود سود برده است، خدمات فرهنگی وی نیز زیر سؤال می رود.

داشتن چنین حکمی در مورد استاد "خلیلی" نباید بدان معنا تعبیر گردد که ما ایشان را مسؤول اعمال خاینانه فرزندش نیز می دانیم. هرچند پسران استاد همه محصول دست و طرز تربیت خودشان می باشد با آنهم آنها شخصاً مسؤولیت اعمال خاینانه خویش را به دوش داشته، به استناد آنکه "جرم شخصی است"، پدر را مسؤول اعمال پسر و یا عکس آن نمی دانیم.

هموطن نهایت عزیز!

ما در پاسخ به سؤالات تان همان طوریکه فکر می کردیم بدون آنکه تفاوتی بین بود و نمود خویش به وجود آوریم، عمل کردیم. امید است این صراحت لهجه ما باعث تخریش احساس و عواطف شما و یا خواننده دیگری نگردیده باشد. ما از آن هراس نداریم که دوستان از صراحت و صداقت ما خشمگین گردند، از آن ننگ داریم که با مکر وریا شادمانی کاذبی را باعث گردیم.

پیروز و کامگار باشید

اداره پورتال AA-AA